

مدیر نشر دلهام در گفت‌وگو با جوانه:



کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه کتاب

سمانه آزاد

اشاره

«نشر دلهام» یکی از ناشران حوزه کودک و نوجوان است که چند مجموعه و کتاب از آن در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ مورد تقدیر قرار گرفته‌اند: مجموعه چهار جلدی فناوری فوق پیشرفته؛ مجموعه چهار جلدی بی‌نهایت کوچک؛ اسلحه و جنگ‌افزار در دوران جدید و قدیم؛ مفاهیم پایه در مهندسی ساختمان و مهندسی ریخته‌گری.

علیرضا شریفی راد، مدیر نشر دلهام که از سال ۱۳۷۶ این مؤسسه را راه‌اندازی کرده است، قبل از آن برای مدتی مدیرعامل انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی بوده است. او می‌گوید: «حوزه نشر هم مانند بسیاری حوزه‌ها به سوی تخصصی شدن پیش رفته است. ما هم فعالیتیمان را در حوزه‌های مشخص شروع کرده و همان راه را ادامه داده‌ایم. همین موضوع هم باعث شده است که مشتریان و مخاطبان خاصی داشته باشیم که به طور مرتب به ما مراجعه می‌کنند.» با این ناشر گفت‌وگویی درباره فعالیت نشر دلهام، مشکلات فعالیت در حوزه نشر، طرح سامان‌بخشی، جشنواره رشد و ... انجام داده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

شماره ۶۳۸/۵۲

۴

۱۳۸۱

■ آقای شریفی! آیا حوزه فعالیت انتشارات شما کمک آموزشی محسوب می‌شود؟

حوزه نشر دلهام هم مانند بسیاری از حوزه‌ها به سوی تخصصی شدن پیش رفته است. حوزه کتابهای کمک‌آموزشی تقسیم‌بندیهای گوناگونی دارد که از کتابهای تست تا کتابهایی را که به

طور مستقیم به کتاب درسی ربط ندارند اما هدف کمک آموزشی دارند، دربرمی‌گیرد. کتابهایی که ما در نشر دلهام منتشر می‌کنیم، آموزشی مستقیم نیستند و همه کتابهای ما بدون استثنا، جرقه‌ای را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند.

وقتی دانش‌آموز یا کودکی کتابی را انتخاب می‌کند، به این معنی است که به هر دلیلی به موضوع آن علاقه‌مند است و اشتیاق دارد آن را مطالعه کند. کتابهای ما جرقه این اشتیاق را شعله‌ور می‌کنند. یعنی کسی با خواندن کتابهای ما نه دانشمند می‌شود، نه سطح درسی‌اش ارتقا پیدا می‌کند. تنها ویژگی کتابهای ما این است که به مخاطب این امکان را می‌دهند تا علاقه‌ای را که در او ایجاد شده است، هم‌چنان حفظ کند.

کتابهایی

که ما در نشر دلهام

منتشر می‌کنیم، آموزشی

مستقیم نیستند و همه کتابهای

ما بدون استثنا، جرقه‌ای را در

ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند

حال گاه مخاطب اشتیاق بیشتری دارد و خواندن کتابهای تخصصی‌تری را ادامه می‌دهد. مثلاً اتفاق افتاده است، دانش‌آموزی که ۶-۷ سال پیش مشتری ما بوده و در نمایشگاه از ما کتاب خریده است، باز هم سراغ ما می‌آید و می‌گوید چرا سطح کتاب‌هایتان را بالاتر نمی‌برید؟ شاید او چند سال پیش، کتاب پیش‌پا افتاده‌ای درباره هواپیما از ما خریداری کرده است و حالا که می‌خواهد هواپیمایی بسازد که بتواند پرواز کند، باز هم به سراغ نشر ما آمده است. یعنی انتظار دارد ما هم پایه‌پای او پیشرفت کرده باشیم. در حالی که ما نه توان این را کار داریم و نه این کار عملی است.

کتابهای نشر ما برای مراحل اولیه و ایجاد اشتیاق مناسب هستند. در واقع هدف ما بیشتر یادگیری است. کتاب‌هایمان تطابق چندانی با کتابهای درسی ندارند و خودمان را به هماهنگی با کتابهای درسی محدود نکرده‌ایم.

■ **شما در نشر دلهام برای انتشار کتاب، سیاست‌گذاری خاصی را انتخاب می‌کنید، یا مؤلف و مترجم کتاب را به شما ارائه می‌دهند؟**

از ابتدای فعالیت انتشارات تاکنون، همه کتابها را انتخاب کرده‌ایم. تقریباً هیچ کتابی نداشته‌ایم که به پیشنهاد مترجم به چاپ رسانده باشیم. در واقع کتابها را پس از انتخاب به یک مترجم می‌سپاریم. گاهی هم اگر لازم بوده است و توانسته‌ایم، تغییراتی را در کتاب به وجود آورده‌ایم. در برخی از کتابها این تغییرات چنان است که کتاب را متحول کرده‌ایم.

برای مثال، کتابی از مجموعه «آشنایی با نجوم» درباره ستارگان و صورتهای فلکی که ایده اصلی‌اش هم جالب و مناسب بود، به دستمان رسید که با وجود محتوای خوب، شیوه ارائه مناسبی نداشت. یعنی نویسنده همه مطالب را به صورت پاراگرافهای پشت سر هم مطرح کرده بود. ما برای مطالبی که نویسنده در دو صفحه به صورت خشک و جامد گفته بود، سرفصل جدیدی ایجاد کردیم. مثلاً ویژگیهای ستارگان را در فصلهای متعددی بیان کردیم و بخشهای جدیدی مانند «نحوه یافتن

صورت‌های فلکی در آسمان» را به کتاب اضافه کردیم. در واقع کتاب جدیدی تولید کردیم.

■ چه ویژگی خاصی را در نشر خود می‌بینید؟

آن چه که به نظرم می‌آید و حالت خودستایی هم ندارد، این است که ما فعالیتمان را در حوزه مشخصی شروع کرده و همان راه را ادامه داده‌ایم. همین موضوع هم باعث شده است که مشتریان و مخاطبان خاصی داشته باشیم که به طور مرتب به ما مراجعه می‌کنند.

همان‌طور که گفتیم، زمینه‌های متعدد نشر هم تخصصی شده‌اند و ما سعی کرده‌ایم در یک زمینه خاص فعالیت داشته باشیم؛ مسئله‌ای که در میان ناشران ما چندان مورد توجه نیست و تعداد ناشرانی که به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند، خیلی کم است.

یکی دیگر از ویژگی‌های نشر ما وابسته بودن به کیفیت است. نمی‌خواهم بگویم که در عمل هم به این هدف رسیده‌ایم. ممکن است کیفیتی که مدنظر ماست، در مجموع حاصل نشده باشد، ولی حداقل به آن پای‌بند هستیم. این موضوعی است که مخاطبانمان متوجه آن می‌شوند و همین باعث شده است که مشتریهای وفاداری داشته باشیم که خود را مقید می‌کنند با ما در تماس باشند.

وقتی کتابی از سوی یک مشتری درخواست می‌شود که در برنامه تولید ما هست ولی هنوز به چاپ نرسیده است، مشخصات و شماره تلفن او را یادداشت می‌کنیم و بعد از این که محصول مورد نظر تولید شد، به او اطلاع می‌دهیم. حتی محصول را برای مشتری با پست می‌فرستیم. اذعان می‌کنم هنوز به کیفیتی که مدنظرمان است نرسیده‌ایم و علی‌رغم همه تلاشها، گاهی خطاهایی اتفاق می‌افتد.

■ آقای شریفی! شما با کتاب‌نامه رشد آشنایی دارید؟

بله. من همه کتاب‌نامه‌ها را به دقت می‌خوانم و برای هر کدام از کتاب‌نامه‌ها حدود دو سه ساعت وقت صرف می‌کنم. هم‌چنین، برخی از کتابهایی را که در این کتاب‌نامه‌ها معرفی شده‌اند، تهیه می‌کنم.

متأسفانه، یکی از مشکلاتی که در حوزه کتاب با آن روبرو هستیم، موضوع اطلاع‌رسانی است. یعنی مردم از انتشار کتابها مطلع نمی‌شوند. در این زمینه، کتاب‌نامه‌های رشد کار اطلاع‌رسانی را به خوبی انجام می‌دهند.

■ این مشکل در حوزه کتابهای آموزشی هم به چشم می‌خورد؟

خیر. چون وقتی به کتاب آموزشی نیاز داریم، به دنبالش می‌رویم و آن را پیدا می‌کنیم. ضمن این که تولیدکننده‌های کتابهای ارزشمند آموزشی، مجموعه‌های مشخصی هستند و خواننده‌ها مشکل پیدا کردن ناشران را ندارند. این مشکل، مشکل کلی بازار نشر است. یعنی تعداد زیادی کتاب

متأسفانه
یکی از مشکلاتی که
در حوزه کتاب با آن روبرو
هستیم، موضوع اطلاع‌رسانی
است. یعنی مردم از انتشار
کتابها مطلع نمی‌شوند. در این
زمینه، کتاب‌نامه‌های رشد کار
اطلاع‌رسانی را به خوبی
انجام می‌دهند



خوب و مناسب منتشر می‌شود که کسی از وجود آنها آگاه نمی‌شود.

■ به نظرم شما که کتاب‌نامه‌های رشد را مرتب مطالعه می‌کنید، می‌توانید از آنها ارزیابی داشته باشید.

شیوه معرفی کتابها مناسب است، اما برخی چکیده‌ها چنگی به دل نمی‌زند و مشخص است که چکیده نویس چندان حرفه‌ای نبوده است. ناگفته نماند که نمی‌توان انتظار داشت که در چهار پنج سطر معجزه‌ای رخ دهد.

■ به نظر تان کتابهای معرفی شده در کتاب‌نامه در چه سطحی قرار دارند؟ آیا کتابهایی هستند که نیازهای دانش‌آموزان و معلمان را برطرف کنند؟

آنچه در این کتاب‌نامه‌ها هست بله. البته چون من فقط برخی کتابهای مورد نیازم را از کتاب‌نامه انتخاب و تهیه کرده‌ام، نمی‌توانم در مورد کیفیت انتخاب همه کتابهای معرفی شده در کتاب‌نامه اظهار نظر کنم. ولی در هر صورت برای مربیانی که به دنبال کتابی درباره یک موضوع خاص هستند تا در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، ابزار مناسبی است. در ضمن به افرادی که در حوزه نشر هستند کمک می‌کند تا از آثار منتشر شده در زمینه‌های گوناگون مطلع شوند.

■ اگر فرض کنیم شما یکی از همکاران کتاب‌نامه رشد هستید، معیار و ملاک شما برای انتخاب کتاب چه خواهد بود؟

از آن‌جا که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کتابهای بازار ما خارجی هستند، نحوه ارائه ترجمه یکی از ملاکهای مهم است. چرا که عموماً ما در ارائه کتاب به شیوه مؤلف و ناشر اصلی عمل نمی‌کنیم، بلکه روشی را انتخاب می‌کنیم که با فرهنگمان تطابق و سازگاری بیشتری داشته باشد. مثلاً ممکن است یک کودک انگلیسی با موضوع «صوت» با کارناوالهایی که در کشور خود دیده است، آشنایی بیشتری داشته باشد. در حالی که امکان دارد بچه‌های ما با فرهنگی که داریم، با این موضوع آشنایی کمتری داشته باشند. بنابراین عموماً در این موارد سعی می‌کنیم که قسمتی از کتاب (عکس یا مطلب) را حذف کنیم و مطلبی را که با فرهنگمان سازگار، برای بچه‌ها قابل درک و برای اولیا و مربیان قابل پذیرش است، جای‌گزین کنیم.

در نتیجه شیوه ارائه مطلب یکی از معیارهایی است که برای معرفی کتاب باید در نظر داشت. بعد از درستی مطلب و محتوا، شرط اول تولید و ترجمه، نحوه ارائه کتاب است. شیوه ارائه مطلب ارزشمند است و در مخاطبان اشتیاق ایجاد می‌کند.

■ پیشنهاد شما برای ارتقای کیفیت کتاب‌نامه رشد چیست؟

راه درازی در پیش است که کتاب‌نامه‌ها، حتی وظیفه اطلاع‌رسانی خود را به نحو احسن و کامل انجام دهند. به خصوص اگر بخواهیم خود دانش‌آموزان در این کتاب‌نامه‌ها دنبال کتاب بگردند، به فرهنگ‌سازی احتیاج داریم که زمینه‌های فراهم نیست.

شما می‌توانید کتاب‌نامه‌ها را به شیوه‌های متفاوتی ارائه کنید، طوری که خود دانش‌آموزان هم

بتوانند از آنها استفاده کنند؛ مثل ایجاد یک سایت و معرفی آن با تبلیغات گسترده و مثلاً به عنوان «انجمن معرفی کتابهای مفید». حتی می‌توان برای چنین سایتی برنامه‌های مطالعاتی ترتیب داد و برای مریبان، اولیا و خود دانش‌آموزان قسمت‌های گوناگونی را ایجاد کرد تا برای خرید کتاب سرگردان نباشند.

اگر توانستید با استفاده از امکانات اینترنت این کار را انجام دهید، موفق‌تر خواهید بود. چنین برنامه‌ی منظمی قابل مقایسه با کتاب‌نامه‌ی رشد نخواهد بود؛ گرچه مبنا همان اطلاعات است. دسته‌بندی کردن اطلاعات و توجه به مخاطب (شهری، روستایی، دختر، پسر و ...) و علائق و تفاوت‌های مخاطبان، طرح را جامع‌تر خواهد کرد. یعنی خود مخاطب علائق خود را در سایت مطرح می‌کند و کتابهای متناسب با آنها را می‌یابد.

در این صورت مریبان، اولیا و دانش‌آموزان برای خرید کتاب سرگردان نخواهند بود، ضمن این‌که مجموعه‌ی گسترده‌ای از انتخابها برایشان فراهم است.

■ **به نظر شما، چه‌طور می‌توانیم به نیازهای واقعی دانش‌آموزانمان پی ببریم تا طبق نیاز آنها کتابهای مناسبی معرفی کنیم؟ چون به هر حال نیاز آنها طی زمان تغییر می‌کند.**

من فکر می‌کنم در مجموعه‌ی آموزش و پرورش چنین نیروهایی وجود دارند که بتوانند نیاز دانش‌آموزان را تشخیص دهند. اما این‌که ما از آنها استفاده می‌کنیم یا نه، بحث دیگری است.

■ **شما به عنوان ناشری که در حوزه‌ی کودک و نوجوان فعالیت می‌کنید، چگونه نیازهای مخاطب‌هایتان را تشخیص می‌دهید؟ آیا نیازسنجی می‌کنید؟**

نه نیازسنجی نمی‌کنیم. مجموعه‌ی ما مجموعه‌ی کوچکی است و بیشتر به فکر این هستیم که کارمان را خوب انجام دهیم و دنبال حل همه‌ی مشکلات نظام آموزشی نیستیم. اما در مورد این‌که چگونه نیازهای مخاطبان را تشخیص می‌دهیم باید بگویم بخشی از کار ما برای تشخیص بازار جنبه‌ی آزمون و خطا دارد. بخشی هم به ذوق و قریحه‌ی ناشر برمی‌گردد. شما در همه‌ی ناشران دنیا حتی حرفه‌ای‌ترین آنها می‌بینید که ذوق و قریحه‌ی فردی که مسئولیت انتخاب کتاب را به عهده دارد، تأثیرگذار است.

در واقع بخشی از ملاکها و معیارهای نشر ما در مورد کتاب ملموس است. یعنی درباره‌ی هماهنگی کتاب با مخاطبان، کتابهای قبلی در زمینه‌ی موضوع کتاب، و حرفهای جدیدی که می‌توانیم در رابطه با آن موضوع مطرح کنیم، تحقیق و بررسی می‌کنیم، اما بخش دیگر ملاکها ملموس نیست و به علائق، سلائیق و احساسی که به ما اجازه‌ی چاپ اثر را می‌دهد، مربوط است. در کل ما کاملاً با شیوه‌های آماری و نظرسنجی دست به انتخاب کتاب نمی‌زنیم.

■ **آقای شریفی! در زمینه‌ی نشرتان با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟**

یکی از مشکلاتی که ما به دلیل نوع کارمان با آن مواجه هستیم، این است که مردم انتظار دارند کتابها از لحاظ سنی رده‌بندی شوند. اما این کار شدنی نیست. چرا که ممکن است یک کودک

هشت ساله به موضوع فضا علاقه‌مند باشد. شما نمی‌توانید مانع کتاب خواندن او در این زمینه شوید. از سوی دیگر، ممکن است یک نوجوان ۱۶ ساله که تا به حال به موضوع فضا علاقه‌مند نبوده است، در این سن کنجکاو شود. آن نوجوان هم می‌تواند از همان کتاب استفاده کند. چون علاقه به این نوع مطالب وابسته به سن نیست. یعنی به‌گونه‌ای نیست که گمان کنیم، آن چه برای کودک هشت ساله مناسب است، برای نوجوان ۱۶ ساله مناسب نیست؛ چون وابسته به منطق فکری فرد نیست. بنابراین عملاً ما نمی‌توانیم این نوع کتابها را رده‌بندی سنی کنیم.

شما نباید انتظار داشته

باشید مردم کتاب مناسبی را که شما با اطلاع‌رسانی معرفی می‌کنید، بپذیرند. زمانی مردم می‌توانند این کتابها را بپذیرند که ساختار آموزشی با شیوه اطلاع‌رسانی‌تان هماهنگ باشد

غیر از این موضوع، مشکل اصلی ما در زمینه نیروی انسانی است. یعنی ما نیروی انسانی متخصصی که در حوزه کتاب حرفه‌ای باشد، نداریم. معدود افرادی هم که هستند، در جایگاه‌های مشخصی به کار گمارده شده‌اند و درآمدهای خوبی دارند. حاضر نیستند که محل کارشان را تغییر دهند. بنابراین مشکل اصلی ما نبود نیروی انسانی متخصص است که توان ارائه اثر مناسب را داشته باشد، خصوصاً در حوزه ترجمه و ویراستاری ادبی و علمی. من نمونه‌های زیادی از خطاهای بزرگ را در آثار افرادی که ادعاهای زیادی در تألیف دارند، به یاد دارم. برای من پذیرفتن چنین خطاهایی از سوی یک نویسنده یا مترجم مدعی، مشکل است.

اگر نیروی انسانی متخصص پرورش دهیم تا بتوانیم به صورت انبوه محتوا تولید کنیم، سرعت فعالیتمان چند برابر خواهد شد.

■ با طرح سامان بخشی کتابهای کمک‌آموزشی آشنایی دارید؟

به طور مختصر آشنایی دارم.

■ هدف طرح سامان بخشی کتابهای کمک‌آموزشی، سامان‌دهی و ارزیابی کتابهای

کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در بازار نشر است. ارزیابی شما از این طرح چیست؟

نمی‌توان گفت با طرح سامان بخشی همه مشکلات علمی - آموزشی دانش‌آموزان حل می‌شود. واقعیت این است که از طریق طرح سامان بخشی درباره کتابهایی که مناسب دانش‌آموزان هستند، اطلاع‌رسانی می‌کنیم. اما اگر هدف طرح سامان بخشی این است که دیگر هیچ کتاب نامناسبی وجود نداشته باشد، با این شیوه به نتیجه نمی‌رسد. چرا که در آن صورت طرح سامان بخشی باید پشتوانه و ضمانت اجرایی داشته باشد که اصلاً قابل تصور نیست و چندان نتیجه‌ای هم نخواهد داشت.

به یاد دارم در دهه ۱۳۶۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه انتشار کتابهای تست را نمی‌داد. ما باید به کتاب‌فروشیهای قدیمی می‌رفتیم تا کتابی را پیدا کنیم و آن را دست به دست به دیگران هم می‌رساندیم. اما امروز می‌بینیم که همان کتابها در شمارگان بالا و چاپهای متعدد منتشر



می‌شوند. در واقع اگر قرار بود آن محدودیتها نتیجه‌بخش باشند، الان به این نقطه نمی‌رسیدیم. شما نباید انتظار داشته باشید مردم کتاب مناسبی را که شما با اطلاع‌رسانی معرفی می‌کنید، بپذیرند. زمانی مردم می‌توانند این کتابها را بپذیرند که ساختار آموزشی با شیوه اطلاع‌رسانی‌تان هماهنگ باشد.

تا جایی که من می‌دانم، سیستم آموزشی ما ظرف ۸۰ سال گذشته، از کیفیت به سوی کمیت حرکت کرده است. وقتی ساختار آموزشی، کیفیت را رها کرده و مهم این است که دانش‌آموز طی چه زمانی چند تست می‌زند، چگونه می‌توان انتظار داشت که برای مطالعه کتابی را انتخاب کند که کیفیت تحصیلش را ارتقا دهد؟ با طرح سامان‌بخشی نمی‌توان این جهت را تغییر داد، اما می‌توان به هدف اطلاع‌رسانی درباره کتابها دست یافت.

■ آقای شریفی! چه انتظاری از آموزش و پرورش برای

حمایت از کتابهای مناسب دارید؟

به هر حال انتظار دارم، کتابهایی را که مورد پذیرش جشنواره رشد هستند، تهیه و در مدارس توزیع کنند تا در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند و

یا در کتابهای درسی معرفی شوند. برخی از این انتظارات مانند معرفی در کتابهای درسی، عملی شده‌اند و برخی هم نه؛ مانند خرید کتاب‌ها. البته باید این موضوع را هم در نظر داشت که آموزش و پرورش گاهی برای پرداخت حقوق معلمان دچار مشکل است، پس انتظار خرید این کتابها برای کتابخانه‌های مدارس کشور - درست یا نه! - شاید اصلاً عملی نباشد.

به یاد دارم زمانی را که از کتابهای ما چند هزار نسخه برای مدارس کشور تهیه می‌شد. اما در حال حاضر چند هزار نسخه گاه به ۶۰ نسخه می‌رسد. اما در تبلیغاتی که صورت می‌گیرد، گفته می‌شود، ۱۰ هزار نمایشگاه در ۱۰ هزار مدرسه کشور برگزار می‌شود.

■ منظورتان نمایشگاه منادی تربیت است؟

بله. چگونه می‌شود برای ۱۰ هزار مدرسه، ۶۰ جلد کتاب خرید؟

■ البته انتخاب کتابها به عهده نمایندگان استان‌هاست. یعنی هر کس برای استان خود و طبق نیازهای آن، کتاب انتخاب می‌کند.

بله همین‌طور است. یعنی حدود ۳۰ نفر برای همه صنعت نشر، مربیان و دانش‌آموزان ما تصمیم می‌گیرند. کم‌ترین انتظار این است که حداقل مربیان هم در تصمیم‌گیری و انتخاب کتاب مؤثر باشند.

البته این ایراد منادی تربیت نیست. به هر حال آنها زحمت می‌کنند و بودجه محدودی هم در اختیار دارند. نمی‌توانند از یک کتاب سه هزار جلد تهیه کنند و برای هر استان ۱۰۰ جلد بفرستند تا آنها اگر خواستند بخرند و گرنه کتاب را مرجوع کنند. این کار در توان منادی تربیت نیست، چرا که

وقتی
ساختار آموزشی کیفیت
را رها کرده و مهم این است
که دانش‌آموز طی چه زمانی چند
تست می‌زند، چگونه می‌توان انتظار
داشت که برای مطالعه کتابی را انتخاب
کند که کیفیت تحصیلش را ارتقا دهد؟ با
طرح سامان‌بخشی نمی‌توان این جهت
را تغییر داد، اما می‌توان به هدف
اطلاع‌رسانی درباره کتابها
دست یافت



چنین سیستمی برایش تعریف نشده است. از طرف دیگر هم همهٔ مدرسه‌ها آن قدر بودجه در اختیار ندارند که هر کتاب مناسبی را که مدنظر معلمان و مربیان است، خریداری کنند.

■ نظرتان دربارهٔ جایگاه جشنوارهٔ کتابهای کمک‌آموزشی رشد، میان ناشران چیست؟

دربارهٔ جشنواره نمی‌توانم اظهارنظر کنم. طبیعتاً ناشرانی که آثارشان انتخاب شده است، استقبال بهتر و بیشتری می‌کنند.

■ جشنوارهٔ رشد در پی تشویق مؤلفان و ناشران آموزشی است. ارزیابی شما دربارهٔ

این جشنواره چیست؟

این که در کنار ناشران، پدیدآورندگان آثار را هم مدنظر قرار می‌دهید، ارزشمند است و باعث ایجاد انگیزه در مؤلفان می‌شود که بیشتر انگیزهٔ معنوی است. چون همان طور که می‌دانید، با درآمدهایی که در حوزهٔ نشر و تألیف وجود دارد، کسی نمی‌تواند زندگی خود را بگذراند. در حالی که مؤلفان، مترجمان و ویراستاران باید درآمدی داشته باشند که بتوانند از این طریق زندگی خود را تأمین کنند و به بهترین شکل به کار خود بپردازند. گمان نکنند اگر کار دیگری مثل تدریس انجام دهند، وضعیت بهتری خواهند داشت.

جشنوارهٔ رشد اگر بتواند میان پدیدآورندگان انگیزه ایجاد کند و وظیفهٔ اطلاع‌رسانی خود به مربیان و اولیا را انجام دهد، کار ارزشمندی کرده است. ولی نکته این جاست که بسیاری از ناشران و مؤلفان از جشنواره رشد مطلع نیستند. شاید اگر کتابی از نشر ما در جشنوارهٔ رشد تقدیر نمی‌شد، از جشنواره بی‌اطلاع می‌ماندیم و پی‌گیری جشنواره برایمان اهمیتی نداشت. اما وقتی مورد توجه قرار گرفتیم، این توجه را با توجه متقابل پاسخ‌گو و پی‌گیر شدیم.

به هر حال میان ناشران شاید کسانی باشند که از جشنواره و اهداف آن بی‌اطلاع باشند. ضمن این که اطلاعات من هم در حد اطلاعاتی است که از مجلهٔ رشد جوانه به دستم می‌رسد. متأسفانه فرصت آن را هم ندارم که همهٔ مطالب جوانه را بخوانم. فقط به کلیت آن توجه می‌کنم و اگر مطلبی مورد علاقه‌ام باشد، می‌خوانم. در مجموع فعالیت جشنواره در حد خوبی است، اما باید در پی ارتقا و گسترش آن باشید.

